



استاد محمد فولادگر

دلها و چشمه‌های علم در قرآن است و صیقلی دهنده‌ای برای دلها همچون قرآن وجود ندارد. با این وصف (متأسفانه) آنانکه به وسیله قرآن متذکر شده پند گرفتند رفتند، و فراموشکاران و خود به فراموشی زدگان ماندند»

✽ اما در این فراز از کلام خود شش ویژگی برای قرآن یاد نموده‌اند:

۱- کتاب آسمانی که شامل مواظ الهی باشد همچون قرآن نیامده است، در قرآن کریم می‌فرماید:

در شماره پیشین فصلنامه بخش‌هایی از گفتار امام علی (علیه السلام) در باره قرآن کریم یاد شد و اینک بخشهای دیگری از آن:

امام (علیه السلام) در پایان خطبه پیشین می‌فرماید:

❁ وان الله سبحانه لم يعط احدا بمثل هذا القرآن فانه حبل الله المتين وسببه الامين وفيه ربيع القلب وينابيع العلم وما للقلب جلاء غيره مع انه قد ذهب المتذكرون وبقي الناسون والمتناسون ❁

و به یقین خدای سبحان هیچ کس را به چیزی همانند قرآن پند نداده است، به یقین قرآن طناب استوار الهی و سبب ایمنی بخش اوست بهار

❁ هذا بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين ❁^۱

واین قرآن بیان کننده امور برای مردم و هدایت و موعظه و پند برای پروا دادن است.

و نیز می فرماید:

❁ يا ايها الناس قد جاءكم موعظة من ربكم و

شفاء لما فى الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين ❁^۲

ای مردم به یقین برای شما موعظه‌ای از جانب پروردگارت آمده که شافی دردهای درونی شما و مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است.

و نیز می فرماید:

❁ ادع الی ربك بالحكمة والموعظة الحسنة ❁^۳

مردم را با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت دعوت کن.

و اگر در آیات قرآن دقت شود مشحون از مواعظ خدا و انبیای او و داستانهای پندآموز و عبرت‌انگیز است.

۲- قرآن حبل الله متین است: حبل به معنای طناب و ریسمان است و طناب همواره وسیله نجات بوده اگر کسی در چاه یا رودخانه و یا دریا می افتاد و یا از کوه پرت می شد به وسیله طناب او را نجات می دادند از این رو هر چه وسیله نجات آدمی باشد از آن به حبل تعبیر می شود در قرآن کریم می فرماید:

❁ واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا ❁^۴

به طناب الهی چنگ زنید و متفرق نشوید.

امام (ع) قرآن را طناب استوار الهی و وسیله نجات آدمی معرفی نموده‌اند.

۳- قرآن سبب امین الهی است: در تعریف

سبب گفته‌اند:

❁ الذریقه و ما يتوصل به الی غیره ❁

وسیله است که آدمی به واسطه آن به غیر خود می پیوندد، بنابراین قرآن وسیله‌ای که انسان به واسطه آن به خدا می رسد و می توان گفت تعبیر دیگری از همان حبل است و توصیف به صفت امین، ایمن بخشی آن را می رساند.

۴- در قرآن بهار دلهاست. بهار مایه طرب و فرح و شادی انسان است ولی آن که روح انسان را طرب می بخشد و فرح معنوی برای آن ایجاد می کند تلاوت قرآن و در بوستان سیر کردن و قرآنی شدن است امام (ع) در وصف اهل تقوی می فرماید:

❁ اما اللیل فصافون اقدامهم تالین لاجزاء القرآن یرقلونها ترتیلا یحزنون به انفسهم ویستثیرون به دواء دانهم فاذا مروا بآیه فیها تشویق رکنوا الیها طمعا و تطلعت نفوسهم الیها شوقا و ظنوا انها نُصب اعینهم ❁^۵

و اما اهل تقوی در شب برپا ایستاده و جزء جزء قرآن را با توجه و عنایت به مفهوم آن تلاوت می کنند، (و از آنکه بهره کامل از قرآن نبرده‌اند) جانهای خود را محزون می سازند و دوی درد خود را در آن جستجو می کنند، هرگاه به آیه‌ای برخورد کنند که شوق انگیز باشد با امید به سوی آن میل کرده و با جان سرشار از شوق به جانب آن روی می آورند و گمان می کنند آن نعمت‌های بهشتی در پیش چشم آنهاست.

معمولا تماشای بهار و بوستان گل بسا دو حالت

تیره و تاری می‌گردد تلاوت قرآن و عمل به آن است که زنگ و تیرگی را می‌زداید.

امام (ع) پس از بیان این ویژگی‌های قرآن اظهار تأسف می‌کنند از اینکه آنان که از این چشمه پرفیض الهی بهره‌بردارند از دنیا رفتند و دو دسته مانده‌اند که یکی قرآن را فراموش کرده و دیگری خود را به فراموش زده است.

در خطبه ۱۸۲ تعدادی از متذکران قرآن را یاد کرده می‌فرماید:

﴿أَوْهَ عَلَىٰ أَخَوَانِي الَّذِينَ تَلَوُ الْقُرْآنَ فَاحْكُمُوهُ وَتَدَّبَّرُوا الْقُرْآنَ فَأَقَامُوهُ وَاحْيَاوُا السُّنَّةَ وَأَمَاتُوا لِبِدْعَةِ دُعَاؤِ الْجِهَادِ فَاحَابُوا وَوَقَفُوا بِالْقَائِدِ وَاتَّبَعُوهُ ۙ﴾

دریغاً بر برادرانم که قرآن را تلاوت کردند و با عمل به آن آن را استوار ساختند و در واجبات الهی اندیشیدند و آن را به پاداشتند و سنت را برپا و بدعت را میرانند و وقتی به جهاد دعوت شدند اجابت کردند و به رهبر خویش اعتماد نموده از او پیروی نمودند.

و امام تعدادی از آنها مانند عمار را نام برد.

و در خطبه دیگر می‌فرماید:

﴿فَالْقُرْآنُ أَمْرٌ ذَا جَرٍّ وَصَامِتٌ نَاطِقٌ حِجَّةُ اللَّهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ اخذ عليه ميثاقهم وادتهن عليه انفسهم و اكمل به دينه و قبض نبيه (ﷺ) و قد فرغ الى الخلق من احكام الهدى به ۙ﴾

به قرآن، امرکننده‌ای نهی‌کننده و ساکت‌گویایی است، حجت خداست بر آفریدگانش، خداوند از بندگانش بر عمل به قرآن پیمان گرفته و جانهای آنانرا در مقابل عمل به قرآن گروندگان قرار داده،

متفاوت در انسان به وجود می‌آورد، تماشای گل‌های رنگارنگ و با طراوت بهجت و طرب را در آدمی برمی‌انگیزاند و گل‌های پژمرده آدمی را بر عمر از دست داده خود محزون می‌سازد قرآن کریم نیز هم آیات بهجت‌زا و سرور آفرین دارد و هم آیات حزن‌آور و غم‌انگیز، و انسان متقی از هر دو گونه بهره‌برداری می‌کند، از گونه اول شوق و امید در او به وجود می‌آید و از گونه دوم خوف و ترس تا آن اندازه که صدای آتش جهنم را در گوش خود احساس می‌کند.

﴿وَظَنُوا أَن زَفِيرُ جَهَنَّمَ وَشَهِيْقَا فِي أَصْوَلِ آذَانِهِمْ ۙ﴾

۵- قرآن چشمه‌های دانش است: کدام کتابی را می‌توان یافت که هزار و چهارصد و اندی از آن بگذرد و هر روز بیشتر مورد توجه دانشمندان و متفکران قرار گیرد و هر کس به اندازه ظرفیت خود از علوم بی‌پایان آن بهره‌مند گردد و این ویژگی آن پایان‌پذیر نباشد.

امام (ع) می‌فرماید:

﴿إِن فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ وَخَبْرٌ مَا بَعْدَكُمْ وَحِكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ ۙ﴾

به یقین در قرآن خبر آنچه پیش از شما بوده و خبر آنچه پس از شما خواهد بود و بیان حکم میان شما وجود دارد

۶- قرآن زداينده تيرگی دلهاست: در گذشته شمشیر و یا نظائر آن هر گاه زنگ می‌زد آن را صیقل می‌کردند و رنگ آن را می‌زدودند تا کارایی پیدا کند، دل آدمی نیز بواسطه گناه و تملق به دنیا

نورانیت قرآن را تمام و دین خود را به وسیله آن کامل نموده و پیامبرش هنگامی قبض روح نمود که از تبلیغ احکام هدایت به بندگان فارغ شده بود.

امام علی (ع) در این بخش از گفتار خود چند مزیت برای قرآن یاد کرده‌اند.

۱- قرآن آمر است و هم ناهی، چنانکه در آیات متعدد قرآن این ویژگی است

﴿ان الله یأمر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربى وینهى عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذکرون﴾

خداوند به عدل و احسان و دادن حق خویشان فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و بد و تجاوز به دیگران نهی می‌نماید او شما را پند می‌دهد باشد که متذکر شوید.

۲- قرآن هم صامت است و هم ناطق؛ صامت خاموش است از این رو که گفتاری است گردآمده از حروف و کلمات و اصوات و ناطق و گویاست از این جهت که کلام خداست که به وسیله بندگان را مخاطب قرار داده و با آنان تکلم می‌کند.

۳- حجت خدا بر بندگان اوست؛ حجت به هر دلیلی گفته می‌شود که راه عذر را بر انسان ببندد در قرآن کریم می‌فرماید:

انعام/ ۱۴۹ ﴿قل لفلله الحجة البالغة﴾

بگو حجت از آن خداست.

خداوند قرآن کریم را بر پیامبر اکرم نازل فرمود و آنچه موجب سعادت و یا شقاوت آدمی است در آن بیان کرد و راه هر گونه عذر و بهانه‌ای بر مردم بست.

۴- به وسیله قرآن از مردم پیمان گرفت؛ در قرآن کریم می‌فرماید:

حدید/ ۸: ﴿وما لکم لا تؤمنون بالله والرسول یدعوکم لتؤمنوا بر بکم وقد اخذ میثاقکم ان کنتم مؤمنین﴾

چرا به خدا ایمان نمی‌آورید و حال آنکه پیامبر خدا شما را دعوت می‌کند که به پروردگارتان ایمان بیاورید و حال آنکه یک چنین پیمانی از شما گرفته شده اگر آماده‌اید که ایمان بیاورید. مطابق بعضی از تفاسیر مقصود از این میثاق پیمان فطری از انسانهاست که در آیات قرآن به آن اشاره شده است.

۵- قرآن شما را و در گرو اعمالتان قرار داده، آنجاکه می‌فرماید:

مدثر/ ۳۸: ﴿کل نفس بما کسبت رهینه﴾

هر کسی گرو کارهایی است که می‌کند.

۶- به واسطه قرآن و اقدام نبی اعظم (ﷺ) دین خود را کامل گردانید، این قسمت اشاره به آیه شریفه:

مائده/ ۳: ﴿الیوم اکملت لکم﴾

است که با تأکید خداوند متعال با نصب امام علی (ع) به خلافت دین اسلام را کامل گردانند خطبه‌ای دیگر در نهج البلاغه در وصف قرآن آمده که در نوع خود بی نظیر است.

در این خطبه امام (ع) پس از اشاره به علم نامتناهی حق تعالی و شهادت به اینکه پیامبر سفیر وحی الهی و رسول رحمت نامتناهی او بود بندگان خدا را به تقوای الهی سفارش نمود و فوائد تقوا را یاد می‌کند. سپس مزایای آیین اسلام را متذکر شده و بعد از آن به فضائل و عظمت دعوت پیامبر اکرم (ص) پرداخته و در پایان خصائص و ویژگی‌های قرآن را یاد کرده می‌فرماید:

ثم انزل عليه الكتاب نوراً لا تظلم مصابيحها، و سراجاً لا يخبو توقده، و بحرّاً لا يدرك قعره و منهاجاً لا يضل نهجُهُ و شعاعاً لا يظلم ضوئُهُ

سپس خداوند متعال کتابی را بر او فرو فرستاد که نوری است که نوری است که چراغ‌هایش خاموش نمی‌شود و کانون روشنایی است که شعله‌هایش فروغی نمی‌نشیند و دریایی است که به ژرفای آن نمی‌رسند و راه روشنی است که رهروش گمراه نمی‌شود و شعاعی است که نور آن تاریک نمی‌گردد.

و فرقاناً لا يحمد برهانه و تبياناً لا تهدم ادكانه و شفاء لا تحشى اسقامه و عزّاً لا تهزم انصاره و حقّاً لا تخذل اعوانه

(قرآن) جداکننده حق از باطلی است که برهانش خاموش نمی‌گردد و بیانگری است که ستون‌های آن ویران نمی‌گردد و شفابخشی است که هراسی از بیماری‌ها به دنبال ندارد و مایه عزت و چیرگی است که یارانش شکست نخواهند خورد و حقی است که یاران آن خوار نمی‌گردند.

فهو معدن الايمان و بحبوحة و ينابيع العلم و

بحوره و رياض العدل و غدرانه و ائافی الاسلام و

بنیانه و اودیة الحق و غیطانہ

قرآن معدن ایمان و اصل و ریشه آن و چشمه‌های دانش و دریا‌های آن و باغ‌های عدالت و محل تجمع آب‌های آن و پایه‌های اسلام و ساختمان آن و سرزمین‌های حق و گودیها و دره‌های آن است.

و بحر لا ینزفه المستنزفون و عیون لا ینقصها الماتحون و مناہل لا یغیضها الواردون و منازل لا یضل نهجها المسافرون و اعلام لا یعمی عنها السائرون و آكام لا یجوز عنها القاصرون

قرآن دریایی است که کشندگان آب، نتوانند تمام آنرا بکشند و چشمه‌هایی است که آب برداران نمی‌توانند بخشکانند (آبشخورهایی است که وارد شوندگان آن را نمی‌کاهند و منزل‌هایی است که مسافران راه آن را گم نمی‌کنند و نشانه‌هایی است که سیرکنندگان نسبت به آنها نابینا نیستند و بلندیهایی است که رهروان از آن تجاوز نمی‌کنند و نشانه‌هایی است که سیرکنندگان نسبت به آنها نابینا نیستند و بلندیهایی است که رهروان از آن تجاوز نمی‌کنند

جعلہ اللہ ریباً لعطش العلماء و ربیباً لقلوب الفقہاء و محاج لطرق الصلحاء و دواء لیس بعدہ داء و نورالیس معہ ظلمة و حبلأ وثیقاً عروته و معقلاً منیعاً ذرّوتہ

خداوند قرآن را سیراب‌کننده عطش دانشمندان و بهار دل‌های اهل فهم و راه‌های واضح برای رهروی شایستگان قرار داده و نیز دوائی که با وجود آن دردی و نوری که با آن تاریکی نیست و

و در پایان این گفتار به وصیت امام (ع) به فرزندان و به همه کسانی که وصیت او به آنها می‌رسد اکتفا می‌کنیم:

فرمود:

﴿والله الله في القرآن لا يسبقنكم بالعمل به غيركم﴾ (نامه ۴۷ بخش ۵)

خدا را خدا را در نظر بگیرید درباره قرآن، مبادا دیگران به واسطه عمل به قرآن از شما پیشی گیرند.

طناب نجاتی که دستگیره‌های آن مورد اعتماد و پناهگاهی که بلندای آن مانع دسترسی دشمنان است.

﴿مَوْعِزًا لِمَن تَوَلَّاهُ وَسَلْمًا لِمَن دَخَلَهُ وَهَدًى لِمَن اَتَمَّ بِهِ وَغُدْرًا لِمَن اِنْتَحَلَهُ وَبِرَهَانًا لِمَن تَكَلَّمَ بِهِ وَ شَاهِدًا لِمَن خَاصَمَ بِهِ وَ فُلْجًا لِمَن حَاجَّ بِهِ وَ حَامِلًا لِمَن حَمَلَهُ وَ مَطِيَّةً لِمَن تَوَسَّمَّ بِهِ وَ حُجَّةً لِمَن تَوَسَّمَّ بِهِ وَ جَنَّةً لِمَن اسْتَلَامَ وَ عِلْمًا لِمَن وَعَى وَ حُدُوثًا لِمَن رَوَى وَ حِكْمًا لِمَن قَضَى﴾ (خطبه ۱۹۸ بخش ۲۵ تا ۳۳)

❁ پی‌نوشت‌ها:

- ۱- نهج البلاغه / خطبه ۱۷۶ / بخش ۲۸
- ۲- آل عمران / ۱۳۸
- ۳- یونس / ۵۷
- ۴- نحل / ۱۲۵
- ۵- آل عمران / ۱۰۳
- ۶- خطبه ۱۹ / بخش ۸
- ۷- نهج البلاغه / حکمت ۳۱۳
- ۸- نهج البلاغه / خطبه ۱۸۲ / بخش ۳۲
- ۹- خطبه ۱۸۳ / بخش ۵
- ۱۱- نحل / ۹۰

خداوند قرآن را مایه عزت قرار داده برای کسی که تحت ولایتش قرار گیرد و محل سلامتی است برای کسی که در حوزه آن داخل شود و راهنمایی است برای کسی که به آن اقتدا کند و حاجتی است برای کسی که آن را آیین خود قرار دهد و دلیل و برهانی است برای کسی که با آن سخن گوید و شاهد و گواهی است برای کسی با دشمن بستیزد و مایه پیروزی است برای کسی که با آن استدلال کند و کفیل و حافظی است برای آن کس که آن را نشانه خود قرار دهد و سپر استواری است برای آن کس آن را و مایه دانش است برای آن کس که آن را نگهدارد و گفتار تازه‌ای برای آن کس که آن را روایت کند و حکم قاطعی است برای آن کس که با آن داوری کند. امام در این بخش از این خطبه ۴۲ وصف برای قرآن برمی‌شمارد که هر کدام نیاز به توضیح و ذکر مصادیق آن در خارج دارد که فرصت بیشتری را می‌طلبد.